

رئالیسم در داستانهای کوتاه نجیب الکیلانی

با استناد به مجموعه داستانی «الکابوس»

دکتر انسیه خزعلی

دانشیار دانشگاه الزهراء

و

شرف بصیری

(از ص ۷۷ تا ۱۰۰)

چکیده:

«نجیب کیلانی» از جمله نویسندهای متعهد بر این باور بود که دستاوردهای هنری و ادبی باید در جهت اعتلای فرهنگ اسلامی به کار گرفته شود؛ لذا داستان نویسی به سبک واقع‌گرایانه را نوعی نیاز جهان عرب و بهویژه جامعه مصر می‌دانست و آنچه داستانهای وی را از دیگر ادبیان معاصر خود متمایز می‌نمود، داشتن روح و رنگ دینی و تعهد وی به قضایای اسلامی است و اهمیت این امر، نگارش تحقیق پیش رو را ضروری می‌نمود. تبیین سبک واقع‌گرایی در داستانهای کوتاه او به عنوان هدف این پژوهش نیز خود نقطه عطفی در این امر است که کیلانی با تمسک به این مکتب و بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی، مشکلات جامعه را مطرح و اذهان را برای چاره‌جویی و درک آن فرامی‌خواند. این تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای با بررسی عناصر داستانی در مجموعه داستانهای کوتاه «کابوس»، سبک واقع‌گرایی انتقادی وی را در طرح موضوعات اجتماعی تبیین می‌کند و این نتیجه حاصل شده است که کیلانی موضوعاتی را که رنگ و بوی اسلامی و پیام اخلاقی دارند، به عنوان محور داستانهای واقع‌گرایانه خود به خدمت گرفته و با پردازش سه عنصر داستانی زاویه دید، شخصیت و پیرنگ بیش از سایر عناصر، داستانی کوتاه اما هدفمند را به رشتہ تحریر درآورده است.

واژه‌های کلیدی: واقع‌گرایی، داستان کوتاه، کیلانی، عناصر داستانی،

اسلام‌گرایی.

مقدمه:**واقع‌گرایی در ادبیات داستانی:**

گسترش مکاتب ادبی اروپا که بر اثر تبادلات فرهنگی به ویژه ترجمه در عرصه ادبیات معاصر عرب حاصل شده، موجب گشت ادبیان و شاعران، مجموعه‌هایی را تحت تأثیر همین مکاتب ادبی و با عنایین وارداتی متعلق به آنها به تحریر درآورند؛ اگرچه این مکاتب رنگ و بوی محیط جدید و نشانه‌های عربی - اسلامی را در خود نمودار ساخت و متفاوت از شیوه‌های غربی رخ نمود. رئالیسم در داستان، نمایش نامه، مقاله و آثاری که از طریق ترجمه به جهان عرب وارد شد، ظاهر گشت و در موضوعات تاریخی و اجتماعی رواج یافت.

پس از جنگ جهانی دوم و افول رومانتیسم، رئالیسم ابتدا در مصر و سپس در عراق پا گرفت و مصر به دلیل مهاجرت ادبیان سرزمین‌های عربی دیگر در زمان حکومت «سلطان عبد الحمید» مرکزیت ادبی را به دست آورد و رشد و تحول فکری را سبب شد به گونه‌ای که در سال ۱۹۱۹ شاهد نشئت یافتن شکل جدیدی از ادبیات با نام «دانستان کوتاه» هستیم.

در این میان با نفوذ فرهنگ غرب از طریق ادبیات، داستان‌نویسی، ابزاری برای نشر عقاید خارجی تلقی گردید؛ امری که با معیارهای دینی و ارزش‌های جوامع کشورهای اسلامی مشرق زمین فاصله زیادی داشت. این در حالی بود که وجود ادبیانی متعهد و اسلام‌گرا، دستاوردهای ادبی را در خدمت ترویج ارزش‌های اسلامی قرار می‌داد.

«نجیب کیلانی» از جمله نویسندهای مسلمان و متعهد در مصر به شمار می‌رود. وی بر این باور بود که دستاوردهای تکنولوژی هنر و ادبیات باید در جهت اعتلای فرهنگ اسلامی به کار گرفته شود، لذا داستان‌نویسی به سبک واقع گرایانه را نیاز جهان عرب و خصوصاً جامعه مصر می‌دانست. کیلانی ادبیات اسلامی را نیاز دنیاگیر اسلام توصیف کرد و آن چه که داستان‌های وی را از دیگر ادبیان و نویسندهای معاصر خود متمایز می‌نمود، داشتن روح و رنگ دینی و تعهد وی به قضایای اسلامی بوده است.

در میان رخدادهای جامعه بشری، جریانهای فکری و حرکتهای اندیشه و فرهنگ بیش از همه در گرایش به تأمل و ژرف اندیشی مؤثر هستند. در این میان، مکتبهای ادبی غرب تأثیر

بسزایی در شعر و ادبیات جهان به شکل عام و ادبیات عربی به طور خاص داشته است. رئالیسم یعنی واقع نمایی، واقع نمایی ادبی به موضوع یا شیوه بیان در سبک اثر ادبی اطلاق می‌شود. ادیب در این مکتب با بی‌طرفی، موضوعی را از زندگی واقعی مردم و اشخاص و از بین پیشه‌وران، کارگران و مردم ستمدیده پیرامونش بر می‌گزیند و داستان آن‌ها را بازگو می‌کند. در این بازگویی، داستان و حوادث، مسیر طبیعی خود را بدون دخالت نویسنده طی می‌کند. (وان تیگم، ص ۲۸۸)

اما در ارتباط با انعکاس واقع‌گرایی در داستان کوتاه باید گفت این نوع ادبی در دوره معاصر از ویژگیهای منحصر به فردی برخوردار است، از جمله اینکه این داستان‌ها از ادبیات داستانی غرب تأثیر مستقیم پذیرفته و در بسیاری از موارد با ادبیات و سبک آثار حاکم بر آثار عربی هماهنگ نیست. این تأثیرپذیری به شکل محسوسی در موضوع و شکل و سبک نگارشی قابل رویت است. بنابراین با قاطعیت می‌توان اذعان نمود که داستان کوتاه – با شکل فنی خود – در ادبیات معاصر از ادبیات غرب، الهام گرفته است. «اما باید توجه داشت که ادبیات داستانی در میان اعراب به مقدار زیادی از اصالت و قدامت برخوردار بوده است. استعداد فراوان داستان‌پردازی و احساس لطیف هنری و تجریه وسیع انسانی در میان معاصران موجب گردیده تا تألیفات آنها در اکثر موارد شامل موضوعاتی خاص شود که به مشکلات اجتماع اهمیت داده و در بسیاری از مواقع برای اصلاح عیوب اخلاقی متشر در جامعه، راهکارهایی را نیز ارائه نمایند. اما زبان این داستان‌ها زبان عربی و بی‌پیرایه است و به زیبایی ساختار اهمیتی نمی‌دهد، بلکه تمام تلاش خود را صرف دقت و توجه به فضاسازی و هماهنگی با شخصیت‌ها می‌نماید.» (حاج ابراهیمی، ص ۱۸۴)

در این بخش از مقاله پس از معرفی اجمالی نجیب الکیلانی، به سبک واقع‌گرایانه او در داستان نویسی به ویژه داستان کوتاه پرداخته می‌شود.

نجیب کیلانی؛ پیشو از داستان نویسی اسلامی به سبک واقع‌گرایانه:

الف) کیلانی و زندگی شخصی:

نجیب کیلانی فرزند عبداللطیف فرزند ابراهیم کیلانی (علی شاهین، المشکاة، ش: ۲۳) در اول ژوئن

سال ۱۹۳۱ میلادی در روستای شرشابه از توابع مرکز زفتی در غرب مصر دیده به جهان گشود. (ابوامد، ادب الاسلامی، ش: ۳۵)

کیلانی در خانواده‌ای پر جمعیت، پای بند به اصول و عقاید دینی و متوسط از نظر اقتصادی پا به عرصه هستی گذاشت. کیلانی در دوره ابتدایی به مطالعه فنون ادبی، بلاغی، حدیث و غیره علاقه وافری داشت. او پایان همین مرحله ابتدایی را زمان آغاز شعرسرایی و در واقع سفر ادبی و علمی خود می‌داند. (کیلانی، ص ۳۷؛ با اندکی تصرف)

ب) ورود کیلانی به عرصه ادبیات:

همانطور که گفته شد کیلانی تنها دو ماه در دبیرستان شهر زفتی تحصیل نمود، اما در همین مدت کوتاه، حادثه‌ای مؤثر، جریان زندگی عادی وی را متتحول ساخت. کیلانی به پیشنهاد یکی از دوستان با شرکت در جشنی که توسط اخوان المسلمين به مناسبت هجرت پیامبر(ص) ترتیب یافته بود، شرکت نمود و علی‌رغم اینکه خانواده و خویشان او به حزب وفد^۲ گرایش داشتند، اما خود وی اصول، ارزش‌ها و افکار اخوان المسلمين را بسیار ارج می‌نماد و همایش‌ها، تألیفات و نشریات آن‌ها را با علاقه وافر دنبال می‌نمود. (المقری الادریسی، ص ۱۰۶) در سال ۱۹۴۹ شیخ حسن بنا، مؤسس و رئیس گروه اخوان المسلمين، طی یک ترور به شهادت رسید. (الوردانی، ص ۱۲)

کیلانی پس از شهادت بنا – درحالی که در دربار مصر (ملک فاروق) درگیری‌های خونین بین اخوان المسلمين به وجود آمده بود – به طور رسمی به عضویت این گروه درآمد. (همانجا) کیلانی در این دوره، از فعالیت‌های ادبی غافل نبود. وی روز به روز به مطالعات ادبی خود می‌افزود. مجلات ادبی و آثار ادبی بر جسته از جمله طه حسین، احمد شوقي، توفیق حکیم، منفلوطی، عقاد، مازنی، زیات، محمود تیمور، رافعی و دیگران را با اشتیاق مطالعه می‌نمود. او پس از آشنایی با مجله اخوان المسلمين به مطالعه آثار ادبی آن پرداخت. آثاری که در این مجله به چاپ می‌رسید – چه شعر و چه نثر – دارای موضوعات سیاسی، اسلامی و تاریخی بود. یکی از ادبیات مجله اخوان که توجه نجیب کیلانی را به خود جلب نمود، علی احمد باکثیر ادیب و

نمایشنامه نویس متعهد اسلامی بود. (المقری الادریسی، الادب الاسلامی، ش: ۳۵) در پی دستگیری عدهٔ زیادی از اعضای اخوان‌المسلمین، سایر اعضا طی اقدامات خدایپسندانه، کمک رسانی مالی به خانواده‌های زندانیان را آغاز نمودند. در جریان همین فعالیت کیلانی به عنوان یکی از اعضا در سال ۱۹۵۴م. به ده سال حبس محکوم شد وی در سال ۱۹۵۹ در حالی که سه سال از حبسش گذشته بود با عفو آزاد شد و برای ادامه تحصیلاتش به دانشکده پزشکی بازگشت. در این سال‌ها نیز با نگارش داستان‌هایی با مضامین اجتماعی و سیاسی به قلم زنی در زمینه ادبیات ادامه داد. در سال ۱۹۶۵ دولت جمال عبدالناصر برای بار دوم فعالیت اخوان‌المسلمین را سرکوب و اعضای آن را روانه زندان‌ها نمود. نجیب این بار نیز زندانی شد ولی کم و بیش به فعالیت ادبی خود در زندان ادامه داد تا اینکه پس از یک سال و نیم از زندان آزاد شد. با این آزادی، ایام دستگیری و زندان وی نیز برای همیشه به پایان رسید. (علی شاهین، المشکاة، ش: ۲۲)

کیلانی پس از آزادی در سال ۱۹۶۸م. مصر را به قصد کشورهای حاشیه خلیج فارس ترک گفت. او که شالودهٔ داستان‌نویسی اسلامی را بنا نهاده بود، در این دوره با سفر به امارات از تمامی فشارهای روحی، روانی، اجتماعی و سیاسی موجود در مصر آزاد گشت و زمینه را جهت اجرای عملی نظریه ادبیات اسلامی که از مدت‌ها قبل، ذهن او را به خود مشغول داشته بود، فراهم دید و به طور جدی به نگارش داستان به مفهوم اسلامی آن همت گماشت. (الکیلانی، ص ۷۸)

ج) گرایش نجیب کیلانی به مکتب واقع‌گرایی:

به طور کلی بررسی و مطالعه سلسله آثار یک نویسنده، این امکان را به محقق خواهد داد تا با مطالعه هر چند اجمالی، تأیفات او بتواند از گرایش‌های ادبی وی سخن بگوید. در این تحقیق نیز که محور اصلی آن بر بررسی واقع‌گرایی نجیب کیلانی نجیب کیلانی متمرکر شده است، گریزی از مراجعه به سایر آثار داستانی (غیر از مجموعه داستانی کابوس) به ویژه رمان‌های این نویسنده که شهرت بسیاری یافته‌اند، نبود.

با نگاهی اجمالی و بر اساس روند زمانی نگارش رمان‌های کیلانی می‌توان به این مسئله پی

برد که آثار داستانی این نویسنده مصری به سه دسته قابل تقسیم است. نخست، رمان‌های رمانیک که از لابه‌لای آن‌ها درباره غم مردم، مشکلات اجتماعی همچون فقر، جهل و نادانی، عقب ماندگی و بیماری سخن می‌گوید که از جمله آن می‌توان به «الریبع العاصف»، «الذین يحترقون»، «طلاع الفجر»، «لیل العبید» و «حكایة جاد الله» اشاره کرد.

دوم رمان‌های تاریخی که شامل آثار داستانی الهام گرفته از سیره نبوی و تاریخ اسلامی است و نویسنده قصد دارد از خلال آن‌ها خواننده را نسبت به تمدن غنی اسلام و ارزش‌های دینی همچون جهاد و دفاع آگاه سازد. «همچنین کیلانی به واسطه رمان‌های تاریخی خود به بررسی مسائلی که امت اسلام را با یأس و نامیدی مواجه می‌سازد، می‌پردازد تا وجود به خواب رفتۀ مسلمانان به ویژه نسل جدید را بیدار کند؛ همچنان که دین اسلام سفارش مؤکّد بر ترغیب مسلمانان به ساخت تمدنی اصیل و نیز مواجهه با شر و بدخوبی دارد. (القاعدود، المشکاة، ش: ۲۳)

و سوم شامل رمان‌های واقع‌گرایانه اسلامی است؛ اعم از آن دسته آثاری که درباره مشکلات و اندوه مسلمانان خارج از سرزمین‌های اسلامی حکایت دارد، مانند لیالی ترکستان، عنراء جاکارتا، الظل الاسود، عمالقة الشمال و یا آن دسته رمان‌هایی که به مسائل سیاسی و اجتماعی که عموماً مستضعفان در مصر با آن درگیر هستند همچون، ظلم و ستم، فهر و استبداد و ... می‌پردازد و از خلال آن درباره آزادی، عدالت، امنیت، آسایش و آینده‌نگری، پیام‌هایی به خواننده القا می‌شود، همچون «اعرافات عبدالمتجلی»، «امرأة عبدالمتجلی» و «ملكة العنبر». (همانجا)

سبک داستان شامل طرز تنظیم و ترتیب افکار، انتخاب کلمات، تصویر خیال، ساختار، لحن و تجربه است و در تحلیل سبک هر نویسنده به همه این عناصر توجه می‌شود زیرا هر داستان نویس آن را با شیوه خاص خود به کار می‌برد. سبک، نشان دهنده طرز تفکر و شخصیت نویسنده است و جنبه فردی دارد. (میرصادقی، ص ۳۰۶)

تمامی داستانهای کوتاه نجیب کیلانی در مجموعه کابوس از سبک واقع‌گرایی تبعیت می‌کند. این داستان‌ها به لحاظ مضمون و موضوع دارای سبک واقع‌گرایی انتقادی - اجتماعی هستند و نویسنده در آن ضمن پرداختن به مسائل فردی - اجتماعی به شخصیت نیز توجه

خاصی دارد. کیلانی در شرح حوادث داستانی به سبک واقع‌گرایانه، به توصیف ظاهر افراد، مکان و فضای حاکم در داستان می‌پردازد و این امر، آرایش کلام و عبارات دقیقی را دربردارد که به آگاهی بخشی به خواننده کمک می‌کند.

نویسنده در قلمرو اندیشه و درون‌مایه داستان، مبتکر و نوآور نیست. بلکه همان مسائل ساده و پیش‌پالفناه را که هر روز همه ما در زندگی با آن مواجهیم با نگاهی دقیق مطرح می‌کند. کیلانی با وجود تصویر واقع‌گرایانه‌ای که از وضع ناگوار و غمنگیز جامعه و خصوصیات اخلاقی افراد ترسیم می‌کند، به آرمانگرایی ایمان دارد و با امید چشم به آینده دوخته است. برای بررسی واقع‌گرایی در داستان‌های کوتاه کیلانی ابتدا لازم است تا عناصر اصلی یک داستان، مشخص و سپس چگونگی ظهور این عناصر در داستان رئالیستی تبیین شود.

ویژگی‌های عمومی عناصر داستان‌های واقع‌گرایانه:

در بررسی عناصر داستان‌های واقع‌گرایانه تعدادی مشخصه‌های مشترک وجود دارد که در یک جمع‌بندی تحت عنوان «ویژگی‌های عمومی» این عناصر ذکر می‌شود تا چارچوب کار و بررسی واقع‌گرایی در داستان‌های نجیب الکیلانی که موضوع اصلی این مقاله است، تبیین شود:

الف) تجربه یا موضوع داستانی:

مهمنترین شرط واقع‌گرایی برای موضوع، این است که پیش پا افتاده نباشد، یعنی جزو مسائل حیاتی باشد. «نویسنده رئالیست همیشه خود را با مسائلی مشغول می‌دارد که مبتلا به عموم است به اصطلاح، نقش زمانه محسوب می‌شود. تولستوی فساد عمومی اجتماع روسيه را که از روستایی ساده تا نجیب‌زاده مغور، همه را آلوده کرده بود به عنوان زمینه اصلی کارهای خود برگزید.» (پرهام، ص ۴۷)

داستان واقع‌گرا نمایش گر اشخاص است و سعی می‌کند پرده از اوضاع روحی آن‌ها اعم از ترس‌ها، امیدها، آرزوها، کینه‌ها و حسادت‌هایشان بردارد و شخص را در رابطه با خود، با اجتماع و پروردگار نشان دهد. (میرصادقی، ص ۲۶۸) همچنان در این داستان‌ها وضعیت اجتماعی از نظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و عقاید درست یا نادرست و خرافی همان‌گونه

که هست در نظر قرار می‌گیرد و در قالب هنر تصویر می‌شود.

ب) شخصیت‌های داستانی:

تجربه به عوامل فردی نیاز دارد تا به منصة ظهور برسد. بدون این عوامل، هیچ عملی انجام نمی‌شود تا روایت گردد اما شخصیت در داستان با شخصیتی که در بیرون وجود دارد، تفاوت‌های عمدۀ دارد و شخصیت پردازی از کارهای مهم در داستان است.

رئالیسم از مطالعه روابط انسانی به عنوان وسیله‌ای برای شناخت و مجسم کردن جامعه بهره می‌گیرد. در همان حال، پژوهش ژرف در جامعه، سنتیزها و تضادهایش، کلید شناخت خود انسان با تمام پیچیدگی‌های موجود در تجلیات شخصی و اجتماعی است. (پرهام، ص ۶۲)

واقع‌گرایی فرد از دو دیدگاه بررسی می‌شود: «اول از نظر شاخص‌های تاریخی و دوره‌ای و بعد، از نظر ویژگی‌های فردی که به طور روزمره تکرار می‌شوند. شخصیت نمونه رئالیستی در عین اینکه دارای خصوصیت‌ترین صفات و اطوار است، مظهر حقایق کلی است که موقعیت انسان را در یک مرحله معین تاریخی نمودار می‌سازد.» (میرصادقی، ص ۶۹)

شخصیت‌ها در داستان‌های رئالیستی مردمان ساده‌ای هستند که نویسنده‌گان می‌کوشند به کمک به تصویرکشیدن زندگی، شخصیت، تضادها و حتی حقارتهایشان، تحلیل دقیقی از جامعه به دست دهند. با این سبک، مردمان ساده و محروم در کنار شخصیت‌های نخبه، مرفه و سطح بالا در رمان‌ها راه یافتند. «شخصیت در این سبک، زایده و محصول شرایط عینی معین است. انسان در آثار رئالیستی، موجودی اجتماعی است و بیش از هر چیز، خاستگاه اجتماعی شخصیتها و راهنمای نویسنده‌گان در خلق ویژگی‌های آن‌ها است. اما نویسنده‌گان این سبک، تنها به این ریشه‌یابی اکتفا نمی‌کنند و می‌کوشند به قهرمانان داستانهای خود ویژگی‌های فردی ببخشنند. (دقیقیان، ص ۲۷)

ج) تحلیل روابط علی و معلولی طرح داستانی:

تمام پدیده‌ها، علتهای خاص خود را دارند و مهمترین هدف تحقیق علمی نیز کشف و تبیین علتهای خاص هر پدیده است. در دنیای داستان نیز توجه به علت حوادث و رویدادها تحت

عنوان شالوده یا طرح قرار می‌گیرد؛ چرا که در کنار ارتباط تنگاتنگ با شخصیت داستانی، به چراهای موجود در داستان پاسخ می‌دهد و به حوادث داستان، نظم می‌بخشد. (لارنس پرین، ص ۵۶)

د) حاصل تجربه یا درون‌مایه داستان:

«درون‌مایه، به عنوان فکر و اندیشهٔ حاکم بر داستان است و جهت فکری و ادراکی نویسنده را نشان می‌دهد و ضرورتاً پیام داستان نیست. پیام، عنصر مشخص اخلاقی است، جنبه‌ای مثبت و آموزنده دارد ولی درون‌مایه، ممکن است از این کیفیت برخوردار باشد یا نباشد.» (میرصادقی، ص ۱۷۶) نمی‌توان گفت که درون‌مایه تمام آثار واقع گرایانه، پیام اخلاقی است یا الزاماً باید این گونه باشد. «هدف هنر رئالیستی، آن است که ریشهٔ هر چیز را که غالباً زیر لایه‌های زندگی روزانه نهفته است، بکاود.» (پرهام، صص ۵۳ و ۵۲)

ه) توجه به موقعیت زمانی و مکانی تجربه:

هر تجربه‌ای نیاز به زمان و مکان دارد. عمل داستانی نیز همین گونه است؛ اما مکان و زمانی که در یک متن غیر ادبی وجود دارد، از برخی جنبه‌ها با زمان و مکان یک متن ادبی، مانند داستان متفاوت است. صحنه در داستان فقط یک محیط مادی برای ایجاد عمل داستانی نیست و وظایف دیگری نیز بر عهده دارد. (رشاد، ص ۱۵۷)

در داستان از زمینه و فضا سخن به میان می‌آید که ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. زمینه، خود مجموعه‌ای است از مکان قابل لمس و زمانی که حرکت عقربه‌های ساعت آن را به ما نشان می‌دهد. این زمان و مکان با حوادث، اتفاقات و اعمال پرمی‌شود. حال اگر این اجزا روح داشته باشند و بتوانند به شکل هماهنگ ما را متأثر کنند، تبدیل به فضا و محیط داستانی می‌شود. (میرصادقی، ص ۴۳)

در داستان واقع‌گرایانه، دو نوع زمان، احساس می‌شود: اوّل، زمانی که عمل داستانی در آن جای می‌گیرد و نویسنده آن را معرفی می‌کند؛ زمان دوم، دوره‌ای است که زمینه داستان (زمان، مکان و عمل داستان) در آن جای می‌گیرد و ویژگی‌های مخصوص دارد؛ مثلاً اختناق، فساد،

فقر عمومی که تأثیرات آن بر روح و جسم افراد به چشم می‌خورد. (همان، ص ۱۴۴)

و) راوی داستان:

اگر چه استفاده از شیوه روایت دانای کل در آثار واقع‌گرایانه رواج زیادی داشته است؛ شاید بتوان چند ویژگی عمدۀ برای راوی داستان واقع‌گرایانه، تحت عنوان دخالت نویسنده در داستان بر شمرد. احساس حضور راوی در داستان، مانع ورود خواننده به فضای داستان و قبول داستان به عنوان یک کارخلاقانه خواهد بود بنابراین، حضور نویسنده در داستان به هر نوع، عیب محسوب می‌شود. همچنین با وجود اینکه هر اثر ادبی، حاوی جهان بینی خاصی است؛ ولی داستان نویس حق فلسفه بافی و قضاوت را ندارد. (پرهام، ص ۵۱)

ز) گفتگو:

گفتگو در داستان از حد نقل قول عادی فراتر می‌رود و به عنوان یکی از عوامل داستان، از لحاظ ساخت و ترکیب ظاهر با فضای داستان سازگار است. در داستانهای رئالیستی گفتگو، اندیشه‌ها و خواسته‌های درونی شخصیتها را به بهترین وجه ممکن به نمایش می‌گذارد و از طریق آن خواننده می‌تواند به افکار و نیت شخصیتها پی ببرد. (میرصادقی، ص ۴۷۱) با کمک این عنصر می‌توان به افکار و نیت شخصیتها پی برد. همانگونه که میدانیم گفتگو یا بین دو شخصیت اتفاق می‌افتد و یا اینکه در ذهن شخصیت واحدی انجام می‌پذیرد که در آن صورت آن را «تک گویی یا متنولوگ (monologue)» گویند. (همان، ص ۳۲۲) با این مقدمات، بحث حاضر به انعکاس واقع‌گرایی در عناصر داستانی مجموعه «الکابوس» نوشته نجیب کیلانی و میزان موفقیت او در این زمینه می‌پردازد:

انعکاس واقع‌گرایی نجیب کیلانی در عناصر داستانی مجموعه کابوس:

این پژوهش بر آن است تا در یک جمع‌بندی کلی و منضبط، ضمن بررسی چگونگی انعکاس واقع‌گرایی در داستان‌های کوتاه کیلانی، ویژگی‌های عمومی عناصر داستانی این

مجموعه را که متأثر از دیدگاه فوق است، ذکر کرده تا چارچوب کار و تحلیل واقع‌گرایی در داستان‌هایی که به تفکیک در بخش گذشته، پردازش شد، مشخص شود.

لازم به ذکر است که آنچه در بررسی داستان‌های کوتاه مجموعه «کابوس» منظور شد، بر اساس نقد داستان‌های کوتاه و تمرکز بر سبک واقع‌گرایی اجتماعی - انتقادی و نیز چگونگی به خدمت گرفتن عناصر داستانی برای طرح موضوع و خلق این آثار ادبی بوده است.

همچنین درباره عناصر داستانهای کوتاه باید به این نکته اشاره کرد که عناصر داستانی در انواع متفاوت خود یعنی رمان، داستان، داستان کوتاه، داستان کوتاه کوتاه و یا حکایت و نمایش نامه مشترک هستند و تنها تفاوت در نحوه عرضه آن‌ها و تأکید نویسنده بر آن به فراخور نوع ادبی است؛ مثلاً قهرمان در رمان بهتر شناخته می‌شود تا در داستان کوتاه؛ در داستان بلند، خواننده نسبت به شخصیت‌ها احساس عشق، علاقه یا تنفر می‌کند و از طریق آن با جامعه ارتباط می‌یابد و این مسائل در داستان کوتاه، ضعیفتر است و در داستان کوتاه شخصیت‌ها محدود و یا یک نفر است. (شمیسا، ص ۱۸۰)

در رمان، عنصر زمان، مکان و شخصیت اهمیت بیشتری نسبت به سایر عناصر دارد و از طرفی در داستان کوتاه پیرنگ و زاویه دید در کنار شخصیت و صحنه‌پردازی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود.

به طور کلی در پردازش موضوع این مقاله به ویژه تحلیل واقع‌گرایی و انعکاس آن در عناصر داستانی مجموعه «الکابوس» این موارد مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) پیرنگ، ب) درونمایه، ج) شخصیت، د) زاویه دید، ه) زبان داستان، و) صحنه‌پردازی.

الف) پیرنگ داستانهای کوتاه کیلانی و انعکاس واقع‌گرایی در آن:

کیلانی در پیرنگ داستانهای واقع‌گرایانه، حوادث را چنان تنظیم و ترکیب می‌کند که در نظر خواننده، منطقی جلوه کند؛ در داستان‌های کوتاه کیلانی، خواننده شاهد نقل حوادث با تکیه بر روابط علی و معلولی است؛ اینکه هر حادثه به چه دلیل اتفاق افتاده و بعد از آن نیز چه حادثی و به چه دلیل اتفاق می‌افتد. نقطه قابل تأمل این است که در برخی موارد و بر اساس

تکنیک‌های داستان‌نویسی، خواننده با حادثه روبه رو می‌شود و در نهایت، داستان (گره گشایی) متوجه علت وقوع حادثه می‌شود.

گره‌افکنی نیز در آثار کیلانی به عنوان اوّلین بخش هر داستان مطرح می‌شود و خواننده با خواندن نخستین صفحه از داستان با - موضوع و یا به عبارتی دیگر، مشکل قصه - در جریان حوادث قرار می‌گیرد، چنانچه داستان‌هایی چون باور نکردنی، سرزمین رؤیاها، ستمگران، ننگ، انسان و ابزار و سرزمین‌های دور نیز در همان بخش نخست خود، خواننده را در بطن حادثه قرار داده و در واقع، نویسنده با مهارتی تمام کشمکش و پس از آن تعلیق، بحران و نقطه اوج را مطرح می‌نماید. بدین گونه خواننده نه تنها احساس خستگی نمی‌کند بلکه پا به پای شخصیت‌های داستانی، حرکت کرده و منتظر گره گشایی می‌ماند.

همچنین گره گشایی در داستان‌های واقع گرایانه کیلانی نیز از دو حالت خارج نیست؛ اول اینکه همچون داستان‌های کابوس، مردی در شلوغی، شب عروسی، هوا سرد است و باور نکردنی، خواننده در سراسر داستان در حالت تعلیق می‌ماند و شاهد قوت صحنه‌های پر کشمکش، بحران و حوادثی است که پشت سر هم می‌آیند است و این، یکی از مهمترین اصول طرح حوادث و رویدادهای علی و معلومی در داستان‌های واقع گرایانه است.

خصوصیت داستان کوتاه واقع گرایانه نیز همین طرح هیجان در ابتدای قصه است که رفته‌رفته به طرف بحران یا نقطه اوج کشانده می‌شود. بحران، به داستان تنوع و برجستگی می‌دهد، و رشتۀ انتظاری که دقت و توجه خواننده را جلب می‌کند، به وجود می‌آورد و پس از به وجود آوردن، حفظ می‌کند.

هیجانی که در داستان باور نکردنی تا پایان داستان و آخرین صحنه آن مطرح است و خواننده، همواره تمام حوادثی را که حسان، خالق آن بود با کنجکاوی دنبال می‌کند و از تعلیق حاکم بر فضای داستان لذت می‌برد.

وجه مشترک داستان‌هایی با چنین پیرنگی، بیان نقطه اوج و پس از آن، گره گشایی در پایان داستان است؛ به عبارتی دیگر در این داستان‌ها خواننده با قرائت یک جمله در پایان داستان، متوجه گره گشایی و حل مسئله و مشکل قصه می‌شود. چنانچه در داستان مردی در شلوغی،

کیلانی با ذکر این جمله «خدا را شکر مدرکی بالاتر از گواهی نامه‌ای که استاندار به من داد، کسب کرده‌ام ...» داستان را به پایان می‌رساند و خواننده پی می‌برد که شخصیت اصلی داستان چه سرنوشتی برایش رقم خورده است؛ و یا در داستان انسان و/یا زار در صحنهٔ پایانی با شنیدن جمله «کاتالوگ این وسیله جدید، اولین هدیه‌ای است که آن را از تو می‌گیرم»، از زبان حمد، به سرنوشتی که کیلانی برای شخصیت اصلی داستان خلق کرده، پی می‌برد.

بخش دیگری از داستان‌های کوتاه کیلانی نیز دارای طرحی متفاوت هستند؛ بدین شکل که تعلیق، بحران و کشمکش در سراسر داستان باقی می‌ماند و گره گشایی به خواننده و تصور ذهنی و در واقع آن سرنوشتی که خواننده دوست دارد برای شخصیت اصلی داستان رقم بخورد، واگذار می‌شود. در این داستان‌ها خواننده، شاهد است که شخصیتی که در کانون تمرکز قرار می‌گیرد و این قهرمان یا شخصیت اصلی، با نیروهایی که علیه او برخاسته اند یا با او سر محالفت دارند، به نزاع می‌پردازد و هول و ولا یا حالت تعلیق داستان به وجود می‌آید.

به طور کلی می‌توان به این نتیجه دست یافت که با انعکاس واقعیت و طرح مسائل حقیقی که موارد مشابه آن در زندگی تمام خوانندگان و یا اطرافیان آنها رخ می‌دهد، حدس زدن عاقبتی خوش و نتیجه‌ای اخلاقی که کیلانی در صدد القای آن به خوانندگان است، نقطهٔ مشترک همهٔ داستان‌های کوتاه کیلانی است، هرچند در برخی موارد، گشوده شدن رازها و معماها به خواننده واگذار می‌شود اما بر طرف شدن سوء تفاهمات و پایان انتظارها پایان‌بخش داستان‌های مجموعهٔ کابوس است.

ب) درونمایه داستان‌های کوتاه کیلانی؛ فرصتی برای بیان حقایق:

داستان‌های واقع‌گرایانه، برگرفته از سلسلهٔ حوادثی است که در بطن جامعه رخ می‌دهد؛ لذا نویسنده، داستان‌های خود را با موضوعاتی برگرفته از جامعهٔ خویش به نگارش در می‌آورد. نویسندهٔ رئالیست، معتقد است هر چه هست در خود واقعیت است، نه در قالبگیری‌هایی که ما از واقعیت کرده‌ایم و حقایق، چنان گویایست که خواننده، درس خود را فرا می‌گیرد. (پرهام، ص ۵۵) یکی از مشخصات داستان‌های رئالیستی کیلانی، این است که خصوصیات و نتایج اجتماعی

حوادث روزانه و خصوصیات آدم‌هایی را که با این حوادث رو به رو می‌شوند، اساس کار خود قرار می‌دهد. وی انسان را به صورت موجودی اجتماعی توصیف می‌کند و در این سبک، صفات نیک و بد را پدیده‌های طبیعی و ذاتی انسان نمی‌داند بلکه آن‌ها را محصول جامعه می‌شمرد.

چنانچه در همه داستان‌های مجموعه کابوس شخصیت‌های اصلی داستان و روابط آن‌ها با سایرین محصول افکار، امیدها، خیالات و نویزه‌های آنان و یا موقیت‌ها و پیروزی‌های آنان و معلول علتهای معین اجتماعی است.

موضوعاتی که در داستان‌های کیلانی مطرح می‌شوند، قلمرویی است که در آن درون مایه دینی و دیدگاه اسلامی وی وارد می‌شود؛ چراکه جامعه‌ای که مخاطب داستان‌های کیلانی است، با این باورها آمیخته است، بنابراین در تمامی موضوعاتی که به آن پرداخته شده، آرمان‌ها و اصول اعتقادی نویسنده به عنوان معلمی در حیطه اخلاق، وارد موضوعات داستان می‌شود. آنچه اهمیت دارد این است که انتخاب درونمایه بر اساس تجربه‌های نویسنده و مشتمل بر مشکلاتی است که جامعه مصر و افراد آن با آن‌ها درگیر هستند. چنانچه طرح مسائلی همچون ازدواج اجباری، فقر و بیکاری، مهاجرت برای تجربه زندگی بهتر و موفق‌تر در داستان‌های کیلانی، نشان از درگیر بودن این نویسنده با موضوعات مبتلا به جامعه است.

«انتخاب مسائل حیاتی، یکی از مهمترین اصولی است که تکامل رئالیسم به آن وابسته است. نویسنده رئالیست همیشه خود را با مسائلی مشغول می‌دارد که مبتلا به عموم و به اصطلاح نقش زمانه محسوب می‌شود.» (پرهام، ص ۴۹)

پرداختن به انحطاط اخلاقی در داستان‌های برده سفی، هوا سرد است، باور نکردنی و ننگ و نیز فقر در داستان‌های مرد و خرگوش، ساحل طلا و راهنمای سرگشته نشان می‌دهد که کیلانی در استفاده از سبک رئالیسم به بیان دشواری‌ها و کامرانی‌هایی که جنبه عمومی دارد، می‌پردازد.

از آنجایی که درون مایه، هماهنگ کننده موضوع با شخصیت، صحنه و عناصر دیگر داستان است و جهت فکری و ادراکی نویسنده را نشان می‌دهد و نیز به این خاطر که کیلانی به عنوان

نویسنده ای اسلام‌گرا در مصر مطرح است، در داستان‌های کوتاه وی، با رنگ و بوی اسلامی و درون مایه‌ای دینی رو به رو می‌شویم.

نجیب کیلانی در کتاب «حول القصه الاسلامية» داستان اسلامی را این‌گونه تعریف می‌کند: داستان اسلامی، عبارت است از بیان استوار و تأثیرگذاری که با تأکید بر پیامی که به خواننده القاء می‌کند در قالبی زیبا ارائه شود. این داستان به خودی خود، هدف نیست، بلکه وسیله‌ای است برای گسترش دعوت اسلامی. (کیلانی، نجیب، حول القصه الاسلامية، ص ۲۲)

نکته دیگر درباره درونمایه داستانهای واقع‌گرایانه، این است که هرچه دایره تأثیرات متقابل میان حوادث دنیای خارج و احساسات آدمی وسیع‌تر باشد، جنبه رئالیستی یک داستان بیشتر خواهد بود. (پرهام، ص ۵۱)

در جامعه اسلامی که انس مردم و اکثریت جامعه با مفاهیم و نصوص دینی، عمیق و لاینک است، توجه دادن به آنچه که ضمیر ناخودآگاه آنان را متأثر سازد و در جانشان نفوذ نماید، متن ادبی را به واقع‌گرایی، نزدیک و نزدیکتر می‌سازد، پیداست که به کارگیری کلمات، عبارات یا مفاهیم قرآنی و حدیث می‌تواند پیوند عمیق داستان را با ریشه‌های فکری مخاطب برقرار و احساسات او را با ماجراهی داستان همراه سازد.

در داستانهای کوتاه کیلانی گاه این به کارگیری در قالب اقتباس و گاه تضمین صورت می‌پذیرد و بعضی دیگر از اوقات، تلمیحی از جریانی دینی یا آیه، روایت یا شعاعی دینی به داستان جنبه واقعی می‌بخشد.

چنانچه در داستان مردی در شلوغی، درونمایه، حاکی از دفاع یک مسلمان از ارزش‌های دینی و حفظ آموزه‌های اسلامی است و یا در داستان نخست، کابوس با محوریت قرار دادن مسئله روز جزا و قیامت نشان می‌دهد که ادبیات، پوچگرانیست؛ به این ترتیب که با استفاده از مضامین قرآنی و دینی، ادبیات اسلامی را ادبیاتی مسئول می‌داند. در اینجا ذکر این نکته، خالی از اهمیت نیست که کیلانی در پردازش مفاهیم اخلاقی و ارزشی با تماسک به صنعت بینامتنی به بیان ارزش‌های دینی می‌پردازد. گاهی این بینامتنی با ذکر دقیق آیه قرآن و عین عبارتی قرآنی و گاه با حدیثی از احادیث نبوی همراه است چنانچه در داستان کابوس در

توصیف روز جزا به عبارات قرآنی و توصیفات روز محاسبه با تمسمک به آنچه درباره قیامت در قرآن آمده است برمی‌خوریم یوم الجزاء، یوم الحسرة، هذا جزاء من ربک، و یا با ذکر احادیثی مانند تأکید بر محاسبه نفس، متضمن حدیث شریف نبوی (حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا ...) است و یا در داستان مرد و خرگوش به ذکر حدیثی از زبان حضرت علی (ع) پرداخته است که فرموده‌اند: «اگر فقر انسان بود، قطعاً او را هلاک می‌کردم» و نیز به تاریخ دینی اشاره دارد چنانچه می‌بینیم که در همان داستان، شخصیت اصلی با اقتدا به پیامبران الهی، حضرت ایوب و حضرت یوسف، ایشان را اسوه صبر و پایداری می‌داند.

ج) انعکاس واقع‌گرایی در عنصر شخصیت:

شخصیت که اساسی‌ترین عنصر داستان کوتاه است باید به صورت فرد توصیف شود نه به صورت تیپ یا نمونه کلی، وی ترجیحاً باید معاصر باشد و از هر طبقه اجتماعی برخاسته باشد نه اینکه متعلق به یک طبقه خاص باشد و نمایندگان سایر طبقات در داستان راه نداشته باشند. (پرهام، ص ۵۸)

روی‌هم‌رفته با در نظر گرفتن تحولاتی که رئالیسم تا امروز داشته می‌توان گفت شخصیت داستان رئالیستی قبل از هر چیز باید فردی باشد که نمایندگی یک طبقه را داراست. بازیگر اصلی در داستان‌های کیلانی، انسان است چون با توجه به سبک واقع‌گرایانه آنچه بر آن تمرکز می‌رود، واقعیت زندگی است.

در داستان‌های کوتاه کیلانی، نویسنده، شخصیت‌هایی ساده با خصلت‌هایی طبیعی و ثابت را انتخاب می‌کند که عموماً مردمی عادی و دارای تمام ویژگی‌های انسانی هستند که مصاديق آن را به وفور می‌توانیم در جامعه ببینیم. البته باید به این نکته توجه داشت که در پردازش داستان‌های واقع‌گرایانه، این یک اصل است که فعالیت و حرکت‌هایی که شخصیت‌ها انجام می‌دهند، خارج از محدوده زمان و مکان نباشد. کیلانی نیز شخصیت‌ها را از بطن جامعه، خواه جامعه روستایی و خواه شهری برمی‌گزیند. امری که از هنگارهای جامعه خود، ارزش‌ها و سنت‌ها به سمت بهتر شدن مانند شخصیت اصلی در داستان‌های ساحل طلا، ستگران، مردی در

شلوغی، راهنمای سرگشته و هوا سرد است و یا به سمت بدتر شدن مانند شخصیت در داستان کابوس و باور نکردنی، پیش می‌رود.

شخصیت‌ها در داستان کیلانی، پیچیده نیستند و به راحتی می‌توان آن‌ها را به بد و خوب تقسیم کرد؛ در عین حال، جذاب هستند و این جذابیت لژومی ندارد که از هر حیث باشد، بلکه خواننده، این ویژگی را در برخی صفات مانند درستکاری، خوش قلبی، ساده زیستی و مظلومیت، درد کشیدگی، فهیم و عاقل بودن به تصویر می‌کشد. در واقع کیلانی با انتخاب شخصیتی ساده در داستان‌های رئالیستی خود، به کمک نشان دادن چهره زندگی، تضادها و حقارتهای شخصیت‌های داستانی، تحلیل دقیقی از جامعه به دست می‌دهد.

بنابراین شاهدیم که در آثار وی، مردمان ساده، محروم، رنج کشیده، مورد ظلم و جفا واقع شده، فقیر و دردمند، راه یافته‌اند و در عین حال شخصیت‌های عجیب، پیچیده، خیالی و تیپ‌های غیر واقعی و غیر عادی در داستان‌های وی جایی ندارد.

کیلانی شخصیت را از میان مردم جامعه انتخاب می‌کند و این فرد، نماینده همنوعان خود و وابسته به اجتماعی است که در آن زندگی می‌کند. وجه اشتراک همه این شخصیت‌ها اثرگذار بودن آن‌ها در داستان است و این امر به مدد صفاتی که نویسنده به وی می‌بخشد و نیز توصیف حالات درونی، تفکرات، اندیشه‌ها، شکل و ظاهر، عادات و خلق و خو و نیز بیان احساسات و خصوصیات افراد، محقق می‌شود.

کیلانی استعداد قهرمانان داستان خود را بروز می‌دهد چنانچه در داستان ساحل طلا، شخصیت سینگ در حال رشد و ترقی و پویایی است و یا در مردی در شلوغی، سید عبدالباری از شخصیتی بی سواد و عامی تبدیل به شخصی فهمیده، با سواد و با شعور می‌شود و به اصطلاح در این داستان‌ها شاهد حرکت و عدم ایستایی شخصیت‌ها و بالطبع پویایی آن‌ها هستیم.

نکته دیگر در شخصیت‌ها انتخاب اسامی برای آنهاست. کیلانی شخصیت‌های خود را یا با ذکر اسم و یا بدون اسم می‌آورد. لذا در مواردی که شخصیت، موسوم به اسمی خاص است، این اسم کاملاً با خصوصیات درونی او منطبق است و در مواردی نیز با وجود نمود متناقض

شاهدیم که به نحوی انتخاب اسم با غرض همراه بوده است. چنانچه در بیشتر موارد همانگونه که ذکر شد، انتخاب اسم‌ها در شخصیت آفرینی ملاک واقع شده‌اند و خواننده در مواردی که شخصیت داستان، نامی ندارد نیز به خاطر توصیف دقیق خصوصیات ظاهری، اخلاقی و یا ویژگی‌های خاص، ارضا می‌شود؛ چنانکه در داستان کابوس، شخصیت اصلی داستان «حاکم» و یا در شب عروسی با نام «پیرمرد» ذکر می‌شود.

د) زاویه دید در داستانهای کیلانی:

از آن جایی که کیلانی داستانهای خود را به سبک واقع‌گرایانه می‌نگارد در شیوه روایت او با دو زاویه دید رو به رو هستیم؛ سوم شخص و اوّل شخص؛ به عبارت دیگر از زاویه دید سوم شخص (او) نویسنده از نیات، افکار و احساسات شخصیت‌های خود مطلع شده و ما (خواننده) را در جریان می‌گذارد. بنابراین در این شیوه، کیلانی رفتار شخصیت‌ها را تحلیل می‌کند. آنچه حائز اهمیت است این است که نجیب در برخی موارد از زاویه دید دانای کل محدود بهره می‌برد و تنها از دید یکی از شخصیت‌های داستان، حوادث حکایت می‌شود همان‌طور که در داستان ستمگران، قلب زن و مرد و خرگوش مشاهده کردیم.

این در حالی است که نویسنده در دو داستان باورنکردنی و ساحل طلا با تغییر زاویه دید از سوم شخص به اوّل شخص از چشم خواننده پنهان می‌شود. کیلانی در واقع در این دو مورد با انتخاب شیوه گویش به زبان اوّل شخص مفرد، به داستان سرعت می‌بخشد.

کیلانی همچنین با اتخاذ زاویه دید اوّل شخص، این امکان را به خواننده می‌دهد که داستان را از زبان شخصیت اصلی بشنود و بهتر به احساسات درونی، اعترافات مستقیم و غیرمستقیم او پی ببرد. اگر آنچه از داستان نتیجه گیری می‌شود توسط شخصیت دیگری در داستان روایت می‌شد، خواننده در شک و گمان بود که شاید قضاؤ آن شخص در مورد شخصیت اصلی، از اعتبار و انصاف به دور باشد. هیچ منبعی مطمئن‌تر و موثق‌تر از خود را وی جهت اظهارنظر در مورد احساسات و گرایشهای او نیست. (سلیمانی، ص ۵۹)

هـ) گفت و گو؛ زبان واقع‌گرایی در داستان‌های کوتاه کیلانی:

زبان، عنصر مهمی از عناصر داستان رئالیستی را تشکیل می‌دهد، زیرا جزء مهمی از زندگی شخصیت‌هاست و برای اینکه داستان‌نویس، پندار واقعیت را در خواننده ایجاد و هم حفظ کند به این عنصر توجه بسیاری دارد زیرا توصیف همه جانبه و پرداختن به جزئیات در داستان رئالیستی تنها کافی نیست و نمی‌تواند جای زبان محاوره باشد.

نجیب کیلانی از دو شیوه برای توصیف حوادث داستانی و پیش بردن پیرنگ بهره می‌برد؛ نخست گفتگو و بعد مونولوگ یا تکسرایی.

گفتگو یکی از شیوه‌های زبانی واقع‌گرایانه است که می‌تواند مخاطب را در متن ماجرا فرو برد و به صورت عینی و ملموس با قضایا مرتبط سازد. در واقع در گفتگو نویسنده خود را از صحنه خارج می‌کند و مجال افزونی را در اختیار شخصیت داستان می‌گذارد تا بی‌واسطه، افکار خویش را به مخاطب بنمایاند. این مسئله همچنین باعث می‌شود تا در قالب گفتمانی دوطرفه و هرچند مختصر، خواننده از حال و هوای شخصیت‌ها بیشتر مطلع شده و اطلاعات بیشتری از آنها به دست آورد.

لازم است به این نکته اشاره شود که داستان کوتاه موفق نیز داستانی است که در کمترین حجم، بیشترین صحنه پردازی را برای مخاطب داشته باشد، همین سبک گفتمان و رد و بدل شدن جملات بین شخصیت‌ها می‌تواند قدرت نویسنده را نشان دهد. این امر در داستان‌های کوتاه کیلانی در مواردی خواننده را برای لحظاتی در برابر یک تناتر می‌نشاند.

در داستان‌های کوتاه کیلانی ما با گفتگو میان اشخاص روبه‌رو هستیم و این عنصر در داستان‌های واقع‌گرایانه نجیب سه خصوصیت را به نمایش می‌گذارد: خصوصیات جسمانی، روانی و اجتماعی. نویسنده سعی می‌کند تا از روش‌های کلاسیک روایت داستان تبعیت کند و شیوه او در روایت، انتخاب جملات کوتاه اما با تفاصیلی کاملاً دقیق است که در برخی اوقات خلاصه بوده تا خواننده احساس خستگی نکند.

در داستان‌های کوتاه کیلانی، گفتگوها متناسب با سطح فکری و فرهنگی گویندگان آن آمده است. عبارات فصیح و خودداری از آوردن زبان عامیانه حتی برای تبیین مکالمات شخصیت‌های

بی‌سود و کم تجربه، از دیگر نقاط قوت کیلانی در خلق این آثار داستانی است. به خاطر حاکم بودن فضای رئالیستی در داستانهای کیلانی، گفتگوها نیز واقعی است. یک ویژگی شیوه نگارش کیلانی، سادگی عمدی ساختمان جملات است و سادگی واژه‌ها که برای پیدا کردن معانی آن‌ها نیازی با مراجعه به فرهنگ لغت یا اصطلاحات نیست.

نشرکیلانی نثر گفتاری است با جمله‌های کوتاه و رسای بی‌هیچ‌گونه پیچیدگی و ابهامی به نوعی که تمامی گفتگوها عامه فهم است. وقایع به ترتیبی که روی می‌دهد، با دقّت نقل می‌شود و برای فهمیدن آن، فشاری به مغز خواننده وارد نمی‌آید و منظور نویسنده بی‌نیاز به توضیح بیشتر به خواننده انتقال می‌یابد؛ اما باید خاطرنشان کرد این ویژگی‌ها نثر کیلانی را ضعیف نکرده است.

و) صحنه‌پردازی در داستانهای کوتاه کیلانی:

توصیف به عنوان وسیله‌ای برای پروراندن شخصیت‌های داستان محسوب می‌شود؛ منظره و صحنه‌سازی باید در تبیین وجود شخصیت مؤثر باشد؛ البته و وسائل درون خانه باید به منزله مبین ابعاد رئالیستی شخصیت باشند. (الشکری، ص ۲۳۵)

محیط و فضایی که شخصیت داستان در آن قرارمی‌گیرد با تأثیرگذاری بر روی آن، موجب رشد و تعالی می‌شود و حتی در مواردی که لازم باشد شخصیت را به انحطاط و زوال می‌کشد. اشخاص داستان، ممکن است با محیط داستان سازگار یا با آن در تضاد باشند، اما به هر حال باید در برابر محیط خود واکنش نشان دهند که از آن متأثر شده‌اند، محیط واقعی در شکل دادن شخصیت فردی، عامل بسیار مهم و نیرومندی است و اشخاص داستان رئالیستی حتی اگر به طور موقّت هم در محیط معینی قرارگیرند از تأثیر آن برکنار نمی‌مانند؛ این تأثیر باید نویسنده واقع‌گرا را به نحوی محسوس و مشهود نشان دهد؛ نادیده گرفتن این تأثیر سبب می‌شود داستان برخلاف واقع جلوه کند. (همان، ص ۲۴۴)

چنانچه پیشتر نیز اشاره شد کیلانی برای فضاسازی بهتر، جو داستان را آکنده از رنگ، بو و حتی شدّت گرما و صدا می‌کند و اینجاست که خواننده تصویر شفافی را در ذهن خلق می‌کند،

در نتیجه، وضعیت بهتر درک می‌شود؛ همان‌طور که در داستان ساحل طلا می‌خوانیم: «خورشید آتش پاره‌اش را روی سرها می‌ریزد و بوی عرق و دود و گوشت کباب شده تهوع آور می‌شود. وراجی مسافران تمامی ندارد بلکه درهم می‌آمیزد و همه‌های درست می‌کند که سر را به درد می‌آورد. ازدحام جمعیت مجبور مان می‌کند که به هم بچسبیم و باعث تنگی نفس‌ها می‌شود.»

در پایان اگر بخواهیم سبک پردازش داستان کوتاه کیلانی را شبیه به یکی از نویسندهان بر جسته داستان کوتاه غرب و در واقع اساتید این انواع ادبی بدانیم می‌توانیم، به آن‌تون چخوف نویسنده روسی (۱۸۶۰-۱۹۰۴م.) که مکتب بزرگی از داستان‌نویسی را بنیان نهاد، اشاره کنیم. داستانهای او براساس تجربه و معنویت بنا شده و برش کوتاهی است از زندگی با کمترین پیچیدگی در پیرنگ. نقش حادثه در داستان‌های کوتاه چخوف به حداقل می‌رسد و در آن‌ها بیشتر وضعیت‌های زندگی بر جسته می‌شود. او داستان کوتاه را از تنگناهای آن به عرصه آزادتری کشاند؛ به عرصه سودا و خیال و دلپذیری و ظرافت. این شیوه داستان‌نویسی برای نویسندهان دنیا شیوه‌ای تازه بود.

او در آثار داستانی خود عمق و معنای چیزهایی را نشان می‌دهد که به نظر نمی‌آید؛ چیزهای بسیار ساده که مفهوم عمیقی در آن‌ها پنهان است و آدم به سبب عادت کردن به آن‌ها و تکرار آن‌ها نمی‌تواند به عمقشان پی ببرد. (میرصادقی، ص ۱۹۶)

کیلانی نیز در بسیاری از موارد در طرح مسائل و حوادث به حقیقت‌بینی و طرح موضوعات مبتلا به جامعه اقدام می‌کند. او تصویر واقعی و دقیقی از اجتماع مصر عرضه می‌کند و از این طریق برای مشکلات موجود راه حلی ارائه می‌دهد یا خواننده را به پیدا کردن راه حلی اساسی فرا می‌خواند.

نتیجه:

- ۱- تمامی داستانهای کوتاه نجیب کیلانی در مجموعه کابوس از سبک واقع‌گرایی تبعیت می‌کند. این داستان‌ها به لحاظ مضمون و موضوع دارای سبک واقع‌گرایی انتقادی - اجتماعی هستند و نویسنده در آن به طرح مسائل فردی - اجتماعی می‌پردازد و از این طریق برای

مشکلات موجود راه حلی ارائه می‌دهد یا خواننده را به پیدا کردن راه حلی اساسی فرا می‌خواند.

۲- کیلانی در شرح حوادث داستانی به سبک واقع گرایانه، به توصیف ظاهر افراد، مکان و فضای حاکم در داستان می‌پردازد که این امر، آرایش کلام و نطق‌های موصوف به صفات دقیقی را در بردارد و به آگاهی بخشی به خواننده کمک می‌کند.

۳ - نویسنده در طرح درون مایه داستان، مبتکر و نوآور نیست، بلکه همان مسائل ساده و پیش پا افتاده را که هر روز همه ما در زندگی با آن مواجهیم با نگاهی دقیق مطرح می‌کند. کیلانی با وجود تصویر واقع گرایانه‌ای که از وضع ناگوار و غم انگیز جامعه و خصوصیات اخلاقی افراد ترسیم می‌کند، باز به آرمانگرایی ایمان دارد و با امید چشم به آینده دوخته است.

۴ - کیلانی در پیرنگ داستانهای واقع گرایانه، حوادث را چنان تنظیم و ترکیب می‌کند که در نظر خواننده، منطقی جلوه کند. در داستانهای کوتاه کیلانی، خواننده شاهد نقل حوادث با تکیه بر روابط علی و معلولی است؛ اینکه هر حادثه به چه دلیل اتفاق افتاده و بعد از آن نیز چه حادثی و به چه دلیل اتفاق می‌افتد. نقطه قابل تأمل این است که در برخی موارد و بر اساس تکنیک‌های داستان‌نویسی، خواننده با حادثه روبه رو می‌شود و در نهایت داستان (گره گشایی) متوجه علت وقوع حادثه می‌شود.

۵ - یکی از مشخصات داستانهای رئالیسی کیلانی این است که خصوصیات و نتایج اجتماعی حوادث روزانه و خصوصیات آدمهایی را که با این حوادث رو به رو می‌شوند، اساس کار خود قرار می‌دهد. وی انسان را به صورت موجودی اجتماعی توصیف می‌کند و در این سبک، صفات نیک و بد را پدیده‌های طبیعی و ذاتی انسان نمی‌داند بلکه آن‌ها را محصول جامعه می‌شمرد.

۶ - در داستانهای کوتاه کیلانی، نویسنده، شخصیتهای ساده با خصلت‌هایی طبیعی و ثابت را انتخاب می‌کند که عموماً مردمی عادی و دارای تمام ویژگی‌های انسانی هستند که مصاديق آن را به وفور می‌توانیم ببینیم.

۷ - از آنجایی که کیلانی داستانهای خود را به سبک واقع گرایانه می‌نگارد با دو زاویه دید

روبه رو هستیم. به عبارت دیگر از زاویه دید سوم شخص (او) نویسنده از نیات، افکار و احساسات شخصیت‌های خود مطلع شده و ما (خواننده) را در جریان می‌گذارد. کیلانی همچنین با اتخاذ زاویه دید اوّل شخص، این امکان را به خواننده می‌دهد که داستان را از زبان شخصیت اصلی بشنود و بهتر به احساسات درونی، اعترافات مستقیم و غیرمستقیم او پی ببرد. اگر آنچه از داستان نتیجه‌گیری می‌شود توسط شخصیت دیگری در داستان روایت می‌شده، خواننده در شک و گمان قرار می‌گرفت که شاید آن قضاوت شخصی در مورد شخصیت اصلی، از اعتبار و انصاف به دور باشد.

۸- در داستان‌های کوتاه کیلانی به گونه‌ای گسترده با گفتگو میان اشخاص روبه رو هستیم و این عنصر در داستان‌های واقع گرایانه نجیب سه خصوصیت را به نمایش می‌گذارد: خصوصیات جسمانی، روحی فردی و اجتماعی. گفتگوها مناسب با سطح فکری و فرهنگی گویندگان آن آمده است؛ عبارات فصیح و خود داری از استفاده از زبان عامیانه حتی برای تبیین مکالمات شخصیت‌های بی سواد و کم تجربه از دیگر نقاط قوت کیلانی در خلق این آثار داستانی است.

۹- کیلانی در مجموعه کابوس از مکان‌های واقعی برای محل حوادث داستان بهره می‌برد لذا این اماکن در برخی از داستان‌ها که تأثیرگذار بر روی عنصر شخصیت هستند با توصیفاتی جزئی همراه‌اند.

منابع:

- ۱- ابواحمد، حامد، «دراسات فی ادب الکیلانی»، مجلة الادب الاسلامي، ش ۳۵، ۱۹۹۶م.
- ۲- الايوبي، ياسين، مذاهب الادب، معالم و انعكاساته، دارالعلم للملائين، بيروت، ۱۹۸۴م.
- ۳- القاعود، حلمى محمد، «نجيب الکیلانی اوّل روائى اسلامى»، مجلة المشكاة، ش ۲۳، ۱۹۹۶م.
- ۴- الکیلانی، نجیب، رحلتی مع الادب الاسلامی، مؤسسه الرسالة، بيروت، ۱۴۰۶هـ-۱۹۹۶م.
- ۵- —————، حول القصة الاسلامية، مؤسسة الرسالة، بيروت، ۱۹۹۸م.
- ۶- —————، لمحات من حياتي، مؤسسه الرسالة، بيروت، ۱۹۹۸م.
- ۷- المقرى الادريسي، ابوزيد، «نجيب الکیلانی سيرته بقلمه»، مجلة الادب الاسلامي، ش ۳۵، ۱۹۹۶م.
- ۸- الورданی، صالح، الحركة الاسلامية في مصر، الواقع و التحديات، دارحكمه، مصر، ۲۰۰۰م.

-
- ۹- پرهام، سیروس، رئالیست و ضد رئالیست در ادبیات، نشر آگاه، تهران، ۱۳۷۶ هـ.
 - ۱۰- جواهر کلام، محمد، داستان معاصر عرب، انتشارات مؤلف، تهران، ۱۳۴۲ هـ.
 - ۱۱- حاج ابراهیمی، محمد کاظم، تاریخ الادب العربي الحديث، دار الغریب، للطباعة و النشر و التوزیع، قاهره، ۱۹۹۹م.
 - ۱۲- دقیقیان، شیرین دخت، منشأ شخصیت در ادبیات داستانی، انتشارات مؤلف، تهران، ۱۳۷۱ هـ.
 - ۱۳- دیمیان گرانت، رئالیسم، ترجمه افشار - حسن، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۶ هـ.
 - ۱۴- رشاد، عبدالقدار، النظرة الادبية، منشورات وزارة الثقافة في الجمهورية العربية السورية، دمشق، ۱۹۹۸م.
 - ۱۵- سلیمانی، محسن، تأملی دیگر در باب داستان، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۶۹ هـ.
 - ۱۶- شمیسا، سیروس، انواع ادبی، سخن، تهران، ۱۳۸۰ هـ.
 - ۱۷- علی شاهین، محمد، «عمید الأدب الاسلامي المعاصر». مجلة المشكاة، ش ۲۳، ۱۹۹۶م.
 - ۱۸- میرصادقی، جمال، ادبیات داستانی، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۷۶ هـ.
 - ۱۹- _____، عناصر داستان، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۶ هـ.
 - ۲۰- وان تیگم، فیلیپ، المذاهب الادبية الكبرى في فرنسا، منشورات عویدات، بیروت، ۱۹۸۳م.
 - ۲۱- هامیلتون، کیپ، ادبیات نوین عرب، ترجمه یعقوب آژند، نشر اطلاعات، تهران، ۱۳۷۱ هـ.